

توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی: یک مطالعه کیفی^۱

جعفر ترک زاده^۲

فاطمه زینعلی^۳

مهدی محمدی^۴

قاسم سلیمی^۵

چکیده

هدف پژوهش حاضر، توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی بود. روش پژوهش، فراترکیب کیفی هفت مرحله‌ای سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) بود. در گام اول، سؤال پژوهش در مورد توسعه چارچوب ظرفیت دانشگاهی مطرح و بر اساس آن اعضای تیم فراترکیب مشخص شدند. در گام دوم و سوم، ۶۳ پژوهش کیفی از میان ۱۲۰ پژوهش از پایگاه‌های معتبر علمی داخلی و خارجی جستجو و معیارهای شمول مقالات مشخص گردید. در گام چهارم، با تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۱۰۴ مضمون پایه مرتبط با ظرفیت دانشگاهی استخراج گردید. بر آن اساس در گام پنجم، ۱۰۴ مضمون پایه در ۱۹ مضمون سازمان دهنده سطح اول شامل آموزش، پژوهش، خدمات اجتماعی، بهره‌وری، فناوری، ساختار سازمانی، نظارت و ارزیابی؛ مدیریت منابع انسانی؛ شایستگی‌های منابع انسانی؛ توان پاسخگویی؛ مالی؛ نظام برنامه‌ریزی؛ مدیریت دانشجویان؛ امکانات و تسهیلات؛ مسئولیت‌های شغلی اعضای هیئت علمی؛ فرهنگ سازمانی؛ برنامه درسی و رهبری تغییر قرار گرفتند. در مرحله بعد، مضامین سازمان دهنده سطح اول در ۵ مضمون سازمان دهنده سطح دوم شامل مدیریت استعداد؛ زیرساخت‌ها؛ مأموریتی؛ فرآیندی و عملکرد سازمانی طبقه‌بندی شدند. در انتها نیز، شبکه مضامین ظرفیت سازمانی دانشگاهی ترسیم گردید. در گام ششم، یافته‌ها

^۱ این پژوهش برگرفته شده از رساله دکتری مدیریت آموزشی می‌باشد.

^۲ دانشیار مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز، نویسنده مسئول، پست الکترونیک:

djt2891@gmail.com

^۳ دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز، پست الکترونیک:

fzeynali89@gmail.com

^۴ دانشیار برنامه درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز، پست الکترونیک: m48r52@gmail.com

^۵ استادیار مدیریت آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شیراز، پست الکترونیک:

Salimi.shu@gmail.com

اعتبار یابی شدند و پس از تأیید، در گام هفتم ارائه گردیدند. چارچوب توسعه داده‌شده در این پژوهش، امکان ارزیابی ظرفیت سازمانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی را فراهم آورده است. **واژگان کلیدی:** ظرفیت سازمانی؛ آموزش عالی؛ دانشگاه؛ فراترکیب.

مقدمه

آموزش عالی و به تبع آن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی به‌عنوان مهم‌ترین نماد عقلانی و ذهنی هر جامعه و همچنین نماینده‌ای از زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور محسوب می‌شوند (ماچادو و تایلر^۱، ۲۰۱۰). در عصر کنونی، عدم توجه به پویایی‌های محیط ملی و بین‌المللی، ثابت بودن الگوهای ساختاری و عملکردی در شرایط محیطی، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های مبهم و کلی و نامناسب بودن سبک مدیریت (ترک‌زاده و محترم، ۱۳۹۲) سبب شده است تا این رکن اساسی آن‌گونه که شایسته و بایسته است نتواند فلسفه وجودی خویش را محقق سازد. رهبران و دست‌اندرکاران نظام آموزش عالی در خصوص علل پدیدار شدن مسائل مذکور، غالباً کمبود بودجه، برتری رابطه بر ضابطه، عدم تناسب تجهیزات تکنولوژیکی، کمبود نیروی انسانی متخصص و... را مطرح می‌نمایند (دهقانان، پور تیموری و عیوضلو، ۱۳۹۲)؛ اما واقعیت آن است که کلید رفع مشکلات فوق در شناسایی و ارتقای کمی و کیفی ظرفیت‌های سازمانی است.

گیل^۲ (۲۰۰۶)، صرف‌نظر از کارکردهای خاص ظرفیت سازمانی، با بررسی ایده‌های صاحب‌نظران علم مدیریت و سازمان، کارکردهای کلی و عمومی ظرفیت سازمانی را مشتمل بر مواردی چون: افزایش مزیت رقابتی (بارنی^۳، ۱۹۹۱ و گرانت^۴، ۱۹۹۱)، ارتقاء سطح رضایتمندی ذینفعان و مشتریان (اولریچ و لاک^۵، ۱۹۹۱؛ یونگ و برمن^۶، ۱۹۹۷)، بهبود تناسب فرد و سازمان از طریق فرآیندهای صحیح و مناسب گزینشی (بوون، لدفور و ناتان^۷، ۱۹۹۱)،

¹ Machado & Taylor

² Gill

³ Barney

⁴ Grant

⁵ Ulrich & Lake

⁶ Yeung & Berman

⁷ Bowen, Ledfor & Nathan

توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی: یک مطالعه کیفی/۱۲۱

ارج نهادن به رفتارهای ارزشمند و تقویت ارزش‌های مثبت (هوندگم و وندرمولن^۱، ۲۰۰۰)، تبدیل فرهنگ بوروکراتیک به فرهنگ کارآفرینی (هوندگم و وندرمولن، ۲۰۰۰) و افزایش عملکرد از طریق تمرکز بر یادگیری (اسچرودر، باتیس و جانتیلا^۲، ۲۰۰۲) دانسته است.

همچنین، ظرفیت سازمانی قادر است تا از طریق ارتقای ظرفیت‌های منابع انسانی، افزایش منابع، تجدید ساختار و نحوه انجام کارها و ارائه خدمات، توانایی سازمان را در توسعه، مدیریت و بهبود برنامه‌ها و راهبردها (گرازیادو^۳، ۲۰۱۱) افزایش داده و با خلق محیطی تواناساز (کاتسوهاما^۴، ۲۰۱۰) سازمان را در رسیدن به اهداف و مأموریت‌هایش یاری دهد.

برخی محققین همچون کلین، ماهونی، مک‌گاهان و پیتلیس^۵ (۲۰۱۳)، نیز اذعان داشته‌اند که مطالعه تعاریف و پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه ظرفیت سازمانی مؤید این امر است که نیاز به پرداختن به ظرفیت سازمانی در تمامی سازمان‌ها و از جمله دانشگاه‌ها به شدت و بیش‌ازپیش احساس می‌شود (بیتما^۶، ۲۰۰۴). این در حالی است که علی‌رغم اهمیت کارکردهای ظرفیت سازمانی که مختصراً به آن‌ها اشاره گردید و تلاش‌های پژوهشگران در دهه‌های گذشته، متأسفانه مفهوم مورد بحث نه تنها دارای ابهامات بسیاری است (بریان^۷، ۲۰۱۱؛ کریستنسن و قازلی^۸، ۲۰۰۸؛ هاریس^۹، ۲۰۰۷؛ بیتما و استدز^{۱۰}، ۲۰۰۴) بلکه فرصت‌های پژوهشی بی‌شماری نیز در این زمینه وجود دارد (هونادلی^{۱۱}، ۱۹۸۱؛ آیزنر، ۲۰۰۲؛ اینگراهام و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۳ و کریستنسن و قازلی، ۲۰۰۸). نظر به اهمیت جایگاه و کارکردهای بی‌بدیلی که ظرفیت سازمانی در همه‌ی سازمان‌ها و خصوصاً دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی دارد، چارچوب‌های مختلفی به‌منظور سنجش این مهم از سوی محققین ارائه گردیده است. این در حالی است که با تعمق در چارچوب‌های حاضر می‌توان دریافت که یا از جامعیت لازم برخوردار نیستند و یا متناسب با نیازها، اقتضائات و

¹ Hondeghe & vandermeulen

² Schroder, Bates & Junttila

³ Graziadio

⁴ Katsuh Ama

⁵ Klein, Mahoney, McGahan & Pitelis

⁶ Beintema

⁷ Bryan

⁸ Christensen and Gazley

⁹ Harris

¹⁰ Beintema & Stads

¹¹ Honadle

¹² Ingraham et al

ایجابات آموزش عالی ایران طراحی نشده‌اند و لذا قابلیت کاربست ندارند. به همین دلیل پژوهش پیش‌رو درصدد است تا چارچوب جامع ظرفیت سازمانی دانشگاهی را متناسب با شرایط بومی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی توسعه دهد. امید است که رهبران دانشگاهی با استفاده از این چارچوب بتوانند ضمن شناسایی ظرفیت‌های مغفول سازمانی، نقاط قوت و ضعف خود را احصاء نموده و در راستای بهبود و یا توسعه آن گام بردارند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

رابرت گرانت^۱ (۲۰۱۳)، ظرفیت سازمانی را توان سازمان برای بهره‌برداری از منابع موجود در محیط درونی و بیرونی سازمان، باهدف خلق مزیت‌های رقابتی و دستیابی به اهداف تجاری دانسته است. به اعتقاد آیزنر^۲ (۲۰۱۴)، ظرفیت سازمانی شامل وجود منابع، شبکه‌ای از روابط و رهبری است که توسعه‌دهنده موفق در دستیابی به اهداف سازمانی است. به‌زعم اهلانر؛ وان‌استیل؛ دوپلت و ژون^۳ (۲۰۱۳)، ظرفیت‌های سازمانی شیوه‌ها یا روال‌هایی هستند که به دستیابی، پیکربندی یا جذب دانش برای سازمان منجر می‌شوند. کاپلان و نورتون^۴ به نقل از بوپاتاراکان^۵ (۲۰۱۲)، ظرفیت سازمانی را از طریق یاری‌دهندگان آن تعریف کرده‌اند و معتقد هستند که فرهنگ سازمانی، رهبری سازمانی، اهداف مشترک و تسهیم دانش کلیدی‌ترین یاری‌دهندگان ظرفیت سازمانی هستند. دسی و همکاران^۶ (۲۰۰۷)، ظرفیت سازمانی را به‌عنوان شایستگی و مهارت‌های سازمان برای تبدیل ورودی به خروجی و ظرفیت لازم برای ترکیب منابع محسوس و نامحسوس برای رسیدن به اهداف موردنظر تعریف کرده‌اند. درنهایت، باغبان (۱۳۸۸)^۷، ظرفیت سازمانی را توان بالقوه‌ی هر شرکت و یا سازمان در به‌کارگیری موفقیت‌آمیز مهارت‌ها و منابع سازمانی برای دستیابی به اهداف سازمان و برآورده کردن انتظارات سهامداران تعریف کرده است. همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، ظرفیت سازمانی علاوه بر آنکه در دستیابی به اهداف و مأموریت‌های سازمان نقش بسیار مهمی ایفا می‌نماید، تمامی ظرفیت‌های محسوس و نامحسوس سازمان را نیز در نظر می‌گیرد و تنها بر روی منابع کمی و آشکار

^۱ Robert Grant

^۲ Eisinger

^۳ Uhlaner, van Stel, Duplat & Zhou

^۴ Kaplan & Norton

^۵ Boonpattarakan

^۶ Dess

^۷ ماهنامه تدبیر، توسعه ظرفیت سازمانی، کد: L۱۳۹۲۴۵

توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی: یک مطالعه کیفی/۱۲۳

تأکید ندارد. علی‌رغم اختلافاتی که در تعاریف ظرفیت سازمانی وجود دارد، اما یک موضوع مشترک در سراسر ادبیات این حوزه وجود دارد و آن این است که ظرفیت سازمانی یک مفهوم چندبعدی است (آیزنر، ۲۰۰۲؛ هال و همکاران، ۲۰۰۳؛ هوی، موینیان و اینگراهام، ۲۰۰۳)؛ بنابراین، همان‌گونه که از ظرفیت سازمانی تعاریف متفاوتی وجود دارد، سطوح و یا ابعاد و انواع ظرفیت سازمانی متفاوتی نیز از سوی پژوهشگران معرفی شده است که در ادامه مختصراً به برخی از آن‌ها اشاره می‌گردد.

بریان (۲۰۱۱)، ظرفیت سازمانی را به سه دسته منابع، ظرفیت‌سازی و صلاحیت و شایستگی طبقه‌بندی کرده است. به اعتقاد زهرا؛ ساپینزا و دیویدسون^۱ (۲۰۰۶)، ظرفیت‌های سازمانی به دودسته پویا و عملیاتی قابل تقسیم هستند. رجبی فرد و ویلیامسون^۲ (۲۰۰۴)، ظرفیت سازمانی را مشتمل بر ظرفیت فردی، گروهی و سازمانی دانسته‌اند. وینر^۳ (۲۰۰۳)، معتقد است که ظرفیت سازمانی را می‌توان به سه طبقه ظرفیت‌های زیر صفر، سطح اول و سطح بالا طبقه‌بندی کرد. شیلابیر^۴ (۲۰۰۲)، نیز در پژوهش خود سطوح ظرفیت سازمانی را برای اجرای یک ارزیابی معنادار به چهار سطح ظرفیت کارکردی، بنیادی، واکنشی و کاربردی طبقه‌بندی کرده است. درنهایت، کولیس^۵ (۱۹۹۴)، ظرفیت سازمانی را به چهار دسته ظرفیت منابع مالی، پویایی‌های عملکردی، به رسمیت شناختن ارزش ذاتی منابع دیگر و یا توسعه استراتژی‌ها قبل از اقدامات رقبا و ظرفیت فرا قابلیت‌ها طبقه‌بندی کرده است. همچنین و با توجه به اینکه ظرفیت سازمانی دانشگاهی موضوعی نوپا است و هنوز آن‌گونه که باید به آن پرداخته نشده است، در ادامه، پژوهش‌هایی را که ظرفیت سازمانی در آن‌ها به‌عنوان یک متغیر در رابطه با سایر متغیرها موردبررسی قرار گرفته است و یا مفهوم موردنظر را به‌صورت کلی در آموزش عالی مورد کاوش قرار داده است، آورده شده است.

ایراوان، سوریونو، پراتیوی و سارونو^۶ (۲۰۱۵)، مدل پیاده‌سازی نیازهای ویژه آموزش و پرورش در چشم‌انداز توسعه ظرفیت سازمانی را ارائه نمودند. مدل ارائه‌شده در این پژوهش از مدل سیستمی که دارای ورودی، فرآیند، خروجی و بازخورد است الهام گرفته شده است و متناسب با نیازهای آموزش و پرورش استثنایی خصوصاً کودکان مبتلا به اوتیسم می‌باشد. مستاپا، موهده غزالی و ثانی محمد^۷ (۲۰۱۴)، تأثیر مداخله‌گری ظرفیت سازمانی را در میان شرکت‌های دولتی

¹ Zahra, Sapienza & Davidsson

² Rajabifard & Williamson

³ Winter

⁴ Shellabear

⁵ Collis

⁶ Irawan, Suryono, Pratiwi & Sarwono

⁷ Mustapa, mohd Ghazali & sani mohamad

و خصوصی موردبررسی قراردادند و به این نتیجه دست یافتند که زیرساخت‌های ظرفیت‌سازمانی در شرکت‌های دولتی و خصوصی بسیار حائز اهمیت و تعیین‌کننده هستند.

ودادی و فرهاد مقدم^۱ (۲۰۱۴)، با استفاده از مدل معادله ساختاری به بررسی تأثیر ظرفیت‌سازمانی بر عملکرد مدیریت پرداختند. نتایج بیانگر آن است که هرچه میزان تعهد مدیران در ارتباط با مشتری بیشتر باشد، دانش آنان در به دست آوردن اطلاعات از مشتریان و به تبع آن موفقیت کارکنان بیشتر خواهد بود. میسنر و دوهرتی^۲ (۲۰۰۹)، به مطالعه موردی ظرفیت‌سازمانی در سازمان‌های غیرانتفاعی جامعه ورزشی پرداختند و به این نتیجه دست یافتند که نیروی انسانی و برنامه‌ریزی در توسعه ظرفیت‌سازمانی دارای اولویت و اهمیت بسیاری است.

زارعی و مهدی‌بیگی (۱۳۹۴)، به بررسی رابطه بین مؤلفه‌های ظرفیت‌سازمانی با عملکرد سازمانی بر اساس رویکرد اسلامی در اداره کل میراث فرهنگی استان فارس پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین ظرفیت‌سازمانی بر اساس رویکرد اسلامی و عملکرد آن در اداره‌ی کل میراث فرهنگی فارس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. نتایج بررسی‌های فروزنده؛ دانایی‌فرد؛ رهنورد آهن و محمدی فاتح (۱۳۹۳)، با عنوان بررسی ظرفیت‌سازمانی دانشگاه افسری امام علی (ع) بر اساس الگوی مک‌کینزی حاکی از آن است که ظرفیت‌سازمانی در پنج حوزه عملیاتی، مدیریتی، فناوریانه، آموزشی، منابع انسانی و هیئت‌رئیس مناسب و در سه حوزه برنامه‌ریزی راهبردی، توسعه طرح‌ها و ظرفیت مالی نامناسب بود.

دانایی‌فرد؛ برزگر و احمدی (۱۳۹۳)، در پژوهش خود با عنوان سازوکارهای ارتقای قابلیت‌های سازمانی در بخش دولتی، به این نتیجه دست یافتند که مهم‌ترین سازوکارهای ارتقای قابلیت‌سازمانی عبارت‌اند از: سازوکارهای روان‌شناختی، فرآیندی، سیاسی و مالی در رتبه اول؛ سازوکارهای انسانی، فرهنگی - اجتماعی و فناوریانه در رتبه دوم و سازوکارهای ساختاری در رتبه سوم. همچنین، وظیفه دوست و عبدلی (۱۳۹۳)، به بررسی تأثیر استفاده از ظرفیت‌های سازمانی برای افزایش ارزش مشتری (مطالعه موردی: مدیران و کارشناسان بازاریابی بانک سپه) پرداختند. در پژوهش مذکور، مدیریت دانش، بازاریابی و مدیریت ارتباط با مشتری به‌عنوان مؤلفه‌های ظرفیت‌سازمانی موردبررسی قرار گرفتند و تأثیرات مثبت هر یک بر دیگری محرز گردید. دهقانان؛ پور تیموری و عیوضلو (۱۳۹۲)، در پژوهش خود با عنوان ارائه روشی پویا جهت ارزیابی قابلیت‌های سازمان اذعان کرده‌اند که آسیب‌شناسی سازمانی یکی از روش‌های مناسب جهت ارزیابی قابلیت‌های سازمانی است. امیدی‌کیا؛ مشبکی؛ خداداد حسینی و عزیزی

¹ Vadadia & Farhat Maghamb

² Misener & Doherty

توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی: یک مطالعه کیفی/۱۲۵

(۱۳۹۱)، در پژوهش خود با عنوان شناخت قابلیت‌های سازمانی جایگاه سازی برند شرکت در صنعت مواد غذایی با استفاده از نظریه داده بنیاد به این نتیجه دست یافتند که ثبات سازمانی زمینه مناسب جهت ایجاد و تقویت قابلیت‌های مؤثر بر هویت‌بخشی به برند شرکت را فراهم می‌کند. در عین حال عوامل مداخله‌گر و بستر ساز، شرایط تقویت و تسریع جایگاه سازی برند را موجب می‌شود.

از مجموع بررسی‌های صورت گرفته در خصوص پژوهش‌های انجام شده می‌توان چنین نتیجه گرفت که ظرفیت سازمانی با متغیرهای گوناگونی همچون انسجام ساختاری، زیرساخت‌ها، انتقال دانش، نیروی انسانی، برنامه‌ریزی، عملکرد سازمانی و سازوکارهای ارتقای آن در زمینه‌های مختلف مانند سازمان‌های دولتی و اداری رابطه مثبتی دارد. این در حالی است که پژوهشی که به صورت جامع تمامی مؤلفه‌های مرتبط با ظرفیت سازمانی را خصوصاً در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی مورد بررسی قرار داده باشد به چشم نمی‌خورد و فقدان آن محسوس است. از این رو، پژوهش پیش‌رو به توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی پرداخته است.

روش پژوهش

رویکرد پژوهش پیش‌رو کیفی و روش پژوهش فراترکیب است. با توجه به این که هدف فراترکیب حاضر، کشف ارتباط میان یافته‌های هر گزارش است، لذا با در نظر گرفتن اینکه یافته‌های اساسی در این گزارش‌ها به صورت مفاهیم یا استعاره‌ها^۱ هستند، فراترکیب "ترجمه"^۲ مناسب‌ترین روش می‌باشد. بدین منظور، مراحل هفت‌گانه سندلوسکی و باروسو (۲۰۰۷) به دلیل جامع بودن برای انجام پژوهش پیش‌رو انتخاب گردیده است. این هفت گام عبارت‌اند از: ۱- بیان مسئله و تنظیم سؤال پژوهش، ۲- بررسی سیستماتیک ادبیات و جستجوی منابع، ۳- انتخاب مقالات، ۴- تجزیه و تحلیل یافته‌ها، ۵- ترکیب یافته‌ها، ۶- کنترل کیفیت و ۷- ارائه یافته‌ها. لازم به ذکر است که اعضای تیم فراترکیب حاضر را سه نفر متخصص در حوزه آموزش عالی، یک متخصص روش فراترکیب و یک کارشناس ارشد پایگاه‌های اطلاعاتی (به منظور اطمینان و اعتباربخشی به جستجوی جامع و نظام‌مند پیشینه مرتبط با موضوع و یافتن منابع مورد نیاز) تشکیل داده‌اند.

^۱ Metaphors

^۲ Translation

گام اول: بیان مسئله و تنظیم سؤال پژوهش

نظر به جایگاه آموزش عالی در جامعه به‌عنوان نهادی متفکر، آگاه و نوآور که میدان زایش و توسعه فضیلت‌های انسانی است (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۹۲) و فرهنگ، دانش، تقابلات اجتماعی و اقتصادی در آن بقاء می‌یابد (ماچادو و تایلر، ۲۰۱۰) از یک‌سو و نقش کلیدی که ظرفیت‌سازمانی در خصوص تطبیق، یکپارچه‌سازی و تنظیم مجدد مهارت‌های داخلی و خارجی، منابع و شایستگی‌های کاری برای مطابقت با نیازهای محیط در حال تغییر دارد (هاروی و اسکلچر^۱، ۲۰۱۰) از سوی دیگر، ضرورت پرداختن به این مقوله بیش‌ازپیش آشکار می‌گردد. مطابق با بررسی‌های به‌عمل‌آمده در پایگاه‌های معتبر علمی داخلی و خارجی، فقدان پژوهش در حوزه ظرفیت‌سازمانی و سنجش آن خصوصاً در آموزش عالی به‌خوبی نمایان است. بدین ترتیب، سؤالی که پژوهش پیش‌رو به دنبال پاسخگویی به آن است این است که چارچوب ظرفیت‌سازمانی دانشگاهی چیست؟

گام دوم و سوم: بررسی سیستماتیک ادبیات، جستجوی منابع و انتخاب مقالات

۱. منابع گردآوری داده‌های پژوهش

به‌منظور انجام جستجوی جامع و همه‌جانبه، علاوه بر جستجوی نظام‌مند گروهی از پایگاه‌های استنادی و اطلاعاتی معتبر خارجی همچون^۲ و داخلی همچون: علم‌نت، سیولیکا، مگ‌ایران، اس‌آی‌دی (SID)، نورمگز، پورتال جامع علوم انسانی، شبکه پژوهشگران ایرانی (IG) و پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC)، جستجو به روش خوشه‌چینی^۳ مورد استفاده قرار گرفت. بدین ترتیب، در مرحله اولیه، کلیدواژه‌های "Capacity" و "Organizational Capacity" در پایگاه‌های خارجی جستجو شدند. سپس جستجو محدودتر شد و واژه‌های "Higher Education" و "Assessment Tools" نیز به عبارت‌های قبل اضافه گردیدند. علاوه بر این، در پایگاه‌های داخلی کلیدواژه‌های "ظرفیت"، "ظرفیت سازمانی"، "قابلیت" و "قابلیت سازمانی" جستجو شدند. سپس جستجو محدودتر شد و واژه‌های "ظرفیت آموزش عالی"، "ظرفیت دانشگاهی"، "ظرفیت و / در دانشگاه"، "مقیاس / چارچوب ظرفیت سازمانی" و "مقیاس / چارچوب ظرفیت دانشگاهی" نیز جستجو شدند. لازم به ذکر است که به‌منظور افزایش اعتبار جستجو، علاوه بر استفاده از روش‌های جستجوی سیستماتیک و نظام‌مند و همچنین روش

¹ Harvey & Skelcher

² Wiley, Springer, Sage, Scopus, J StorERGO Science Direct

³ Berry Picking

خوشه‌چینی، از جستجوی دستی ژورنال‌های معتبر و مرتبط و مطالعه آنلاین نیز استفاده شد؛ چراکه برخی پژوهش‌های مرتبط، به دلایل مختلف از جمله عدم استفاده از واژه‌های کلیدی استاندارد، در جستجوی آنلاین پایگاه‌ها یافت نمی‌شدند. فرآیند جستجو تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها ادامه داشت.

۲. معیارهای شمول مقالات

مقالات و پایان‌نامه‌های یافت شده در مرحله قبل، مطابق با معیارهای مدنظر پژوهشگران مورد ارزیابی و غربالگری قرار گرفت تا در نهایت منابع مناسب انتخاب شدند. در پژوهش پیش‌رو، معیارهای انتخاب مقالات و پایان‌نامه‌ها زبان مقالات (فارسی و انگلیسی) و زمان انتشار (۱۹۹۰ - ۲۰۱۷) می‌باشد. همچنین، بر اساس پرسش مطرح شده در گام اول و هدف ویژه فراترکیب حاضر، معیارهای مشخصی نیز برای شمول مقالات در مرور به این شرح تعیین گردید: ۱. مقالاتی که در مجلات معتبر علمی پژوهشی با روش کیفی یا روش ترکیبی (برای استفاده از نتایج بخش کیفی) چاپ شده باشند. ۲. مقالات عملی که باهدف توسعه مفهوم ظرفیت سازمانی انجام شده باشند. ۳. مقالاتی که در یافته‌های آن‌ها به سودمندی یک یا چند مؤلفه مؤثر در حوزه ظرفیت سازمانی اشاره شده باشد. در نهایت و پس از ارزیابی‌های صورت گرفته از میان ۱۲۰ مقاله و پایان‌نامه کیفی با رویکرد کیفی و یا ترکیبی، ۶۳ پژوهش برگزیده شدند.

گام چهارم: تجزیه و تحلیل یافته‌ها

سندوفسکی و باروسو (۲۰۰۷) تکنیک دسته‌بندی^۱ یافته‌ها و تکنیک کمی فرا چکیده‌نویسی^۲ را به منظور تحلیل یافته‌های کیفی معرفی می‌کنند. در دسته‌بندی، ایده‌ها یا موضوع‌های مورد نظر فراترکیب، شناسایی و استخراج شده و در دسته‌های مشخصی قرار می‌گیرند. فرا چکیده‌نویسی نیز، در واقع فرایند استخراج، مجزا سازی، ویرایش، گروه‌بندی و در نهایت خلاصه‌سازی یافته‌های متنی به صورت مجموعه‌ای از اعداد و گزاره‌هاست. یکپارچه‌سازی یافته‌ها در فرا چکیده‌نویسی، تنها یک کار تکنیکی نیست، بلکه فرایندی است برای رسیدن تیم پژوهشی به نوعی اجماع که قبل از مرحله نهایی فراترکیب به آن نیازمندند. از این رو، در این پژوهش، در مرحله استخراج داده‌ها، یک جدول توصیفی از

^۱ Classification

^۲ Meta-summery

اطلاعات اولیه موردنیاز هر مقاله (شامل کد مقاله، مضمون استخراج شده، نام نویسندگان و سال چاپ و مؤلفه‌های ظرفیت سازمانی) تهیه شد که نمونه‌ای از آن در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: نمونه توصیفی داده‌های اولیه استخراج شده از مقاله‌ها

کد مقاله	مضمون استخراج شده	نام نویسندگان و سال چاپ	مؤلفه‌های ظرفیت سازمانی
۱	مکانیسم‌های مالی	یانگ و همکاران ^۱ (۲۰۱۸)	منابع اقتصادی، نیروی انسانی، زیرساخت‌های فیزیکی، مرز سیستم، روابط بین سازمانی، ساختار حکومتی، فرهنگ سازمانی.
۲	نتایج آموزشی	وان درن (۲۰۱۴)	آموزش، پژوهش، خدمات اجتماعی، مدیریت منابع انسانی، مدیریت دانشجویان، مدیریت اعضای هیئت علمی، زیرساخت‌ها، برنامه‌ریزی و کنترل.
۳	تعهد	ونگر و مک‌لینز ^۲ (۲۰۱۱)	مأموریت، پشتیبانی رهبری، زیرساخت، مشارکت اعضای هیئت علمی، مشارکت دانشجویان، مشارکت جامعه، ارتباطات، مکانیسم‌های ارزیابی.
۴	جذب	فیلیپس و راپر ^۳ (۲۰۰۹)	جذب، انتخاب، مشغولیت، توسعه و بهسازی، حفظ و نگهداری کارکنان.
۵	رهبری	راشمن ^۱ (۲۰۰۸)	دانش و یادگیری، رهبری، انعطاف‌پذیری

¹ Young et al

² Wenger and MacInnis

³ Phillips & Roper

توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی: یک مطالعه کیفی/۱۲۹

ساختاری، شرایط تواناساز، برنامه‌ریزی و ارزیابی.			
---	--	--	--

گام پنجم: ترکیب یافته‌ها

در این گام، با جستجوی استعاره‌ها^۱ و مفاهیم اصلی مرتبط با ظرفیت سازمانی دانشگاهی در گزارش‌های جمع‌آوری شده و تطبیق این مفاهیم با سایر استعاره‌ها یا مفاهیم در همان گزارش و دیگر گزارش‌ها و اصلاح، تغییر، ادغام و حذف برخی از آن‌ها، استعاره‌های جدیدی تولید شدند که نتایج آن در جدول ۲ نشان داده شده است. شایان ذکر است که این جدول با تکنیک دسته‌بندی و فرا چکیده‌نویسی انجام شده است.

جدول ۲: مضامین پایه، سازمان دهنده سطح اول و دوم ظرفیت سازمانی دانشگاهی

مضامین پایه	مضامین سازمان دهنده سطح اول	مضامین سازمان دهنده سطح دوم	ردیف
جذب و استخدام، به‌کارگیری، نگهداری، توسعه.	مدیریت منابع انسانی	مدیریت استعداد	۱
دانش، تخصص، مهارت، ارزش‌ها و نگرش‌ها.	شایستگی‌های منابع انسانی		
امور رفاهی دانشجویان، ارتباط با فارغ-التحصیلان، رضایتمندی دانشجویان، امور آموزشی دانشجویان.	مدیریت دانشجویان		
تدریس، پژوهش، خدمات اجتماعی، مشاوره و راهنمایی.	مسئولیت‌های شغلی اعضای هیئت علمی		
بودجه، مکانیسم‌های مالی، دارائی‌ها، تنوع منابع درآمدی، پایداری منابع مالی.	مالی	زیرساخت‌ها	۲

¹ Rashman

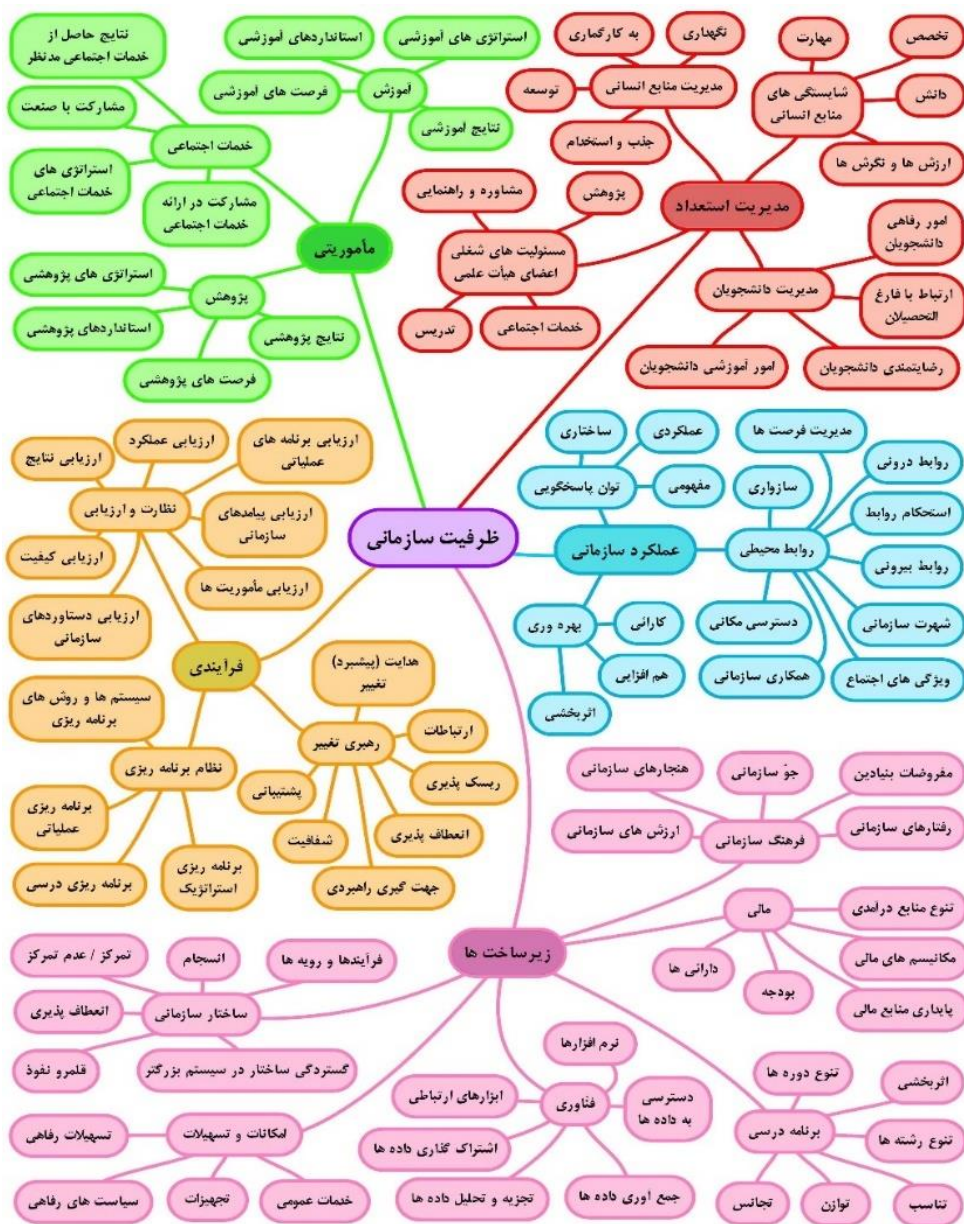
² Metaphors

جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، دسترسی به اطلاعات، اشتراک‌گذاری اطلاعات، ابزارهای ارتباطی، نرم‌افزارها.	فناوری		
سیاست‌های رفاهی، تسهیلات رفاهی، تجهیزات، خدمات عمومی.	امکانات و تسهیلات		
گسترده‌گی ساختار در سیستم بزرگ‌تر، فرآیندها و رویه‌ها، انسجام، انعطاف‌پذیری، تمرکز / عدم تمرکز، قلمرو نفوذ.	ساختار سازمانی		
مفروضات بنیادین، ارزش‌های سازمانی، هنجارهای سازمانی، رفتارهای سازمانی، جو سازمانی.	فرهنگ سازمانی		
تنوع دوره‌ها، اثربخشی، توازن، تجانس، تناسب.	برنامه درسی		
نتایج آموزشی، استراتژی‌های آموزش، استانداردهای آموزشی، فرصت‌های آموزشی.	آموزش	مأموریتی	۳
نتایج پژوهشی، استراتژی‌های پژوهش، مدیریت پژوهش.	پژوهش		
استراتژی‌های خدمات اجتماعی، مشارکت در ارائه خدمات اجتماعی، مشارکت با بازار کار، نتایج حاصل از خدمات اجتماعی.	خدمات اجتماعی		
سیستم‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی استراتژیک، برنامه‌ریزی عملیاتی، برنامه‌ریزی درسی.	نظام برنامه‌ریزی	فرایندی	۴
ارزیابی مأموریت‌ها، ارزیابی برنامه‌های عملیاتی، ارزیابی نتایج، ارزیابی عملکرد، ارزیابی پیامدهای سازمانی، ارزیابی دستاوردهای سازمانی، ارزیابی کیفیت.	نظارت و ارزیابی		

توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی: یک مطالعه کیفی / ۱۳۱

جهت‌گیری راهبردی، هدایت (پیشبرد) تغییر، ارتباطات، پشتیبانی، ریسک‌پذیری، شفافیت، انعطاف‌پذیری.	رهبری تغییر		
کارایی، اثربخشی، هم‌افزایی.	بهره‌وری	عملکرد سازمانی	۵
مفهومی، ساختاری، عملکردی.	توان پاسخگویی		
روابط درونی، روابط بیرونی، ویژگی‌های اجتماع، همکاری سازمانی، استحکام روابط، دسترسی مکانی، مدیریت فرصت‌ها، شهرت سازمانی، سازواری.	روابط محیطی		

درنهایت، شبکه مضامین ظرفیت سازمانی دانشگاهی در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲: شبکه مضامین ظرفیت سازمانی دانشگاهی

گام ششم: اعتبار یابی^۱ و کنترل کیفیت یافته‌ها

سندلوفسکی و باروسو (۲۰۰۷) چهار نوع اعتبار یابی را برای کنترل یافته‌های حاصل از انجام فراترکیب معرفی می‌کنند. اعتبار یابی توصیفی^۲، به شناسایی تمامی گزارش‌های مرتبط و تشخیص مشخصه‌های هر گزارش اشاره دارد. اعتبار یابی تفسیری^۳، بر ارائه تمام و کمال ادراک و نقطه نظرات محققان از گزارش‌ها تأکید دارد. اعتبار یابی نظری^۴، اعتبار روش‌هایی که فراترکیب‌گر به منظور یکپارچه‌سازی و تفسیر یافته‌های پژوهشی توسعه داده و به کار می‌برد را مطرح می‌سازد و درنهایت، اعتبار یابی پراگماتیک^۵، به معنای سودمندی، قابلیت انتقال دانش، کاربردی بودن و مناسب بودن فراترکیب می‌باشد. از این رو، نه فرآیند به منظور بررسی اعتبار یابی یافته‌ها در نظر گرفته شده است و در پژوهش پیش‌رو بر اساس آن، یافته‌ها اعتبار یابی شده‌اند. فرایندهای نه‌گانه به همراه نوع اعتبار یابی انجام شده در جدول ۳ آورده شده است.

جدول ۳: فرآیندهای بهینه‌سازی اعتبار فراترکیب (سندلوفسکی و باروسو، ۲۰۰۷)

نوع اعتبار یابی فرآیندها	توصیفی	تفسیری	نظری	پراگماتیک
مشورت با کتابدار مرجع	*			
مشورت با متخصص پژوهش‌های فراترکیب			*	
جستجوی مستقل منابع حداقل توسط دو بازنگر	*			
ارزیابی مستقل هر گزارش حداقل توسط دو بازنگر	*	*		

- ¹ Validity
- ² Descriptive
- ³ Interpretive
- ⁴ Theoretica
- ⁵ Pragmatic

پراگماتیک	نظری	تفسیری	توصیفی	نوع اعتبار یابی فرآیندها
			*	جلسه‌های هفتگی تیم پژوهشی به منظور بحث درباره نتایج جستجوها و شکل‌دهی و اصلاح راهبردهای جستجوی منابع
		*	*	جلسه‌های هفتگی تیم پژوهشی به منظور بحث درباره نتایج ارزیابی‌ها و تصمیم‌گیری درباره راهبردهای ارزیابی مطالعات
	*	*	*	جلسه‌های هفتگی تیم پژوهشی به منظور تثبیت حوزه‌های مورد توافق و مذاکره درباره حوزه‌ها و موارد شامل اختلاف نظر تا رسیدن به اجماع

نوع اعتبار یابی فرآیندها	توصیفی	تفسیری	نظری	پراگماتیک
مستندسازی از تمام فرایندها، رویه‌ها، تغییرات در روند کار و نتایج. برگزاری نشست‌های تیمی تفکر	*	*	*	*

گام هفتم: ارائه یافته‌ها

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، یکی از مهم‌ترین ابعاد ظرفیت سازمانی دانشگاه، مدیریت استعداد است و در ظرفیت سازمانی دانشگاهی مشتمل بر مؤلفه‌هایی چون مدیریت منابع انسانی (جذب و استخدام، به-کارگماری، نگهداری، توسعه)، شایستگی‌های منابع انسانی (دانش، تخصص، مهارت، ارزش‌ها و نگرش‌ها)، مدیریت دانشجویان (امور رفاهی دانشجویان، ارتباط با فارغ‌التحصیلان، رضایتمندی دانشجویان، امور آموزشی دانشجویان) و مسئولیت‌های شغلی اعضای هیئت‌علمی (تدریس، پژوهش، خدمات اجتماعی و مشاوره و راهنمایی) می‌باشد.

زیرساخت‌ها، دومین بُعد ظرفیت سازمانی دانشگاهی است که مؤلفه‌های فرهنگ‌سازمانی (مفروضات بنیادین، ارزش-های سازمانی، هنجارهای سازمانی، رفتارهای سازمانی، جو سازمانی)، مالی (بودجه، مکانیسم‌های مالی، دارایی‌ها، تنوع منابع درآمدی، پایداری منابع درآمدی)، فناوری (جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل داده‌ها، دسترسی به داده‌ها، اشتراک‌گذاری داده‌ها، ابزارهای ارتباطی، نرم‌افزارها)، برنامه درسی (تنوع رشته‌ها، تنوع دوره‌ها، اثربخشی، توازن، تناسب، تجانس)، ساختار سازمانی (گسترده‌گی ساختار در سیستم بزرگ‌تر، فرایندها و رویه‌ها، انسجام، انعطاف‌پذیری، تمرکز / عدم تمرکز، قلمرو نفوذ) و امکانات و تسهیلات (سیاست‌های رفاهی، تسهیلات رفاهی، تجهیزات، خدمات عمومی) را شامل می‌شود.

سومین بُعد ظرفیت سازمانی دانشگاهی، مأموریت‌ها و رسالت‌های دانشگاه است. مطابق با بررسی‌های به‌عمل‌آمده، مهم‌ترین مأموریت‌های دانشگاه عبارت است از آموزش (استراتژی‌های آموزشی، استانداردهای آموزش، فرصت‌های آموزشی، نتایج آموزشی)، پژوهش (استراتژی‌های پژوهشی، استانداردهای پژوهشی، فرصت‌های پژوهشی، نتایج

پژوهشی) و خدمات اجتماعی (نتایج حاصل از خدمات اجتماعی مدنظر، استراتژی‌های خدمات اجتماعی، مشارکت در ارائه‌ی خدمات اجتماعی، مشارکت با صنعت).

فرایندهای سازمانی چهارمین بُعد ظرفیت سازمانی است که مشتمل بر نظارت و ارزیابی (ارزیابی مأموریت‌ها، ارزیابی برنامه‌های عملیاتی، ارزیابی نتایج، ارزیابی عملکرد، ارزیابی پیامدهای سازمانی، ارزیابی دستاوردهای سازمانی، ارزیابی کیفیت)، نظام برنامه‌ریزی (سیستم‌ها و روش‌های برنامه‌ریزی، برنامه‌ریزی استراتژیک، برنامه‌ریزی عملیاتی، برنامه‌ریزی درسی) و رهبری تغییر (جهت‌گیری راهبردی، هدایت تغییر، ارتباطات، پشتیبانی، ریسک‌پذیری، شفافیت، انعطاف‌پذیری) می‌باشد.

عملکرد سازمانی، آخرین و پنجمین بُعد ظرفیت سازمانی دانشگاهی است و ابعاد توان پاسخگویی (مفهومی، ساختاری، عملکردی)، روابط محیطی (سازواری، مدیریت فرصت‌ها، روابط درونی، روابط بیرونی، استحکام روابط، شهرت سازمانی، ویژگی‌های اجتماع، دسترسی مکانی، همکاری سازمانی) و بهره‌وری (کارایی، اثربخشی، هم‌افزایی) را در برمی‌گیرد.

نتیجه‌گیری

امروزه واژه دانشگاه دربردارنده معانی و مفاهیم متنوعی است که ریشه در کارکردهای متنوع آن دارد (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۸) و بسته به آن می‌تواند در ظرفیت دانشگاه‌ها نقش‌آفرین باشد. بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده در این پژوهش، یکی از مهم‌ترین ابعاد ظرفیت سازمانی دانشگاه، مدیریت استعداد است. مدیریت استعداد یک رویکرد کلی نسبت به برنامه‌ریزی منابع انسانی است که با استفاده از طیفی از مداخله‌های منابع انسانی به افزایش توانمندی‌های سازمانی کمک می‌کند. اهمیت مدیریت استعداد در ظرفیت سازمانی آموزش عالی به توان پاسخگویی آن به تغییرات محیط پویا و پیچیده کنونی برمی‌گردد. به‌عبارتی دیگر، اگر دانشگاه‌ها بخواهند علاوه بر پاسخ به شرایط اقتضائات و ایجابات محیطی به مزیت رقابتی نیز دست یابند، بایستی از ظرفیت‌های انسانی خود به‌خوبی بهره‌برداری نمایند؛ بنابراین می‌توان گفت، هدف از ظرفیت مدیریت استعداد در دانشگاه، اطمینان از آن است که از استعداد مناسب، در زمان مناسب و در موقعیت مناسب استفاده شود (جکسون و چولر^۱، ۱۹۹۰ و اینگهام، ۲۰۰۰).

¹ Jackson & Schuler

توسعه چارچوب ظرفیت سازمانی دانشگاهی: یک مطالعه کیفی/۱۳۷

زیرساخت‌ها، دومین بُعد ظرفیت سازمانی دانشگاهی است. در واقع، زیرساخت‌ها دربردارنده موقعیت‌ها و شرایط اساسی برای کار کردن در سازمان می‌باشند. وجود زیرساخت‌ها در سازمان اگرچه نشان‌دهنده مؤلفه کوچکی از دارایی‌های مادی و معنوی آن به شمار می‌رود اما وجود ضعف در این زیرساخت‌ها خود یک نگرانی عمده به حساب می‌آید؛ چراکه زیرساخت‌ها ظرفیت لازم را برای توانمندی سازمان در راستای انجام فعالیت‌ها و افزایش خدمات و تولیدات فراهم می‌آورد (ترکزاده؛ عبدشریفی و نهاوندی، ۱۳۹۳). بدیهی است که اهمیت و اولویت وجود این زیرساخت‌ها در ظرفیت سازمانی به‌نوبه خود در مسیر و حرکت به‌سوی توسعه‌سازمانی برای هرکدام از دانشگاه‌ها متفاوت است.

یکی دیگر از ابعاد ظرفیت سازمانی دانشگاهی، مأموریت‌ها و رسالت‌های دانشگاه است. در خصوص مأموریت‌ها و رسالت‌های دانشگاه، تعاریف و کارکردهای متعددی از سوی صاحب‌نظران مطرح شده است. تولید دانش، انتقال دانش از نسلی به نسل دیگر، نشر و اشاعه دانش از طریق تربیت نیروی انسانی متخصص برای ارائه خدمات متنوع در جامعه، تحقق جامعه‌پذیری جوانان برای عبور از فردیت و رسیدن به حیات جمعی، مدیریت دانش و پژوهش با عنایت به نیاز روزافزون در خصوص هدایت جریان دانش و اطلاعات (یمنی دوزی سرخابی، ۱۳۸۸) ازجمله نمونه‌هایی از کارکردهای دانشگاه می‌باشد. از آنجاکه در دنیای امروز، دانشگاه یکی از نهادهای اصلی محسوب می‌شود، لذا بی‌توجهی به ظرفیت و پتانسیل‌های مرتبط با مأموریت دانشگاه‌ها می‌تواند تبعات زیان‌باری برای جامعه داشته باشد (تاتیل^۱، ۲۰۱۲). چراکه جوامع نوین انباشته از مسائل و مشکلات پیچیده‌ای است که دانشگاه‌ها می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی و خدمات اجتماعی خود در رفع و پیشگیری آن به میزان قابل‌توجهی مؤثر باشند (پالمی^۲، ۲۰۱۲).

فرایندهای سازمانی چهارمین بُعد ظرفیت سازمانی است. می‌توان گفت، فرایندهای سازمانی مجموعه‌ای از وظایف مرتبط به هم برای خلق نتیجه‌ای ارزشمند هستند و از طریق توانمندسازی سطوح گوناگون، سازمان را در جهت تشخیص بهتر نیازهای خودیاری می‌رسانند. در نتیجه، فرایندهای سازمانی بخشی از پویایی‌های سازمان به شمار می‌روند و دیگر نمی‌توان به‌صرف دسترسی به اطلاعات و نیروی انسانی و بدون استفاده از فرایندها سازمان را اداره کرد (هلن و دیگران، ۲۰۰۳). تمامی سازمان‌ها و ازجمله دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی از اهمیت برخوردارند و نیروی کار توانمند و تکنولوژی‌های نوین آگاهند؛ اما تا زمانی که فرایندها به‌درستی درک و یا سازماندهی نشده باشند

¹Taatila

²Palme

بهترین افراد هم نمی‌توانند عملکرد مطلوبی داشته باشند. به همین سبب ظرفیت‌های موجود در فرایندهای سازمانی به‌مثابه زنجیره ارزش در دستیابی سازمان به اهدافش نقشی اساسی و بی‌بدیل را ایفا می‌نماید.

عملکرد سازمانی، آخرین بُعد ظرفیت سازمانی دانشگاهی است. می‌توان گفت، عملکرد سازمانی ظرفیتی تعیین‌کننده در اثربخشی و موفقیت سازمان در تحقق فلسفه وجودی، پاسخگویی به محیط و تضمین بقا و توسعه در محیط پرتلاطم امروزی است و در صورت تحقق این مهم، ارزیابی مثبت جامعه از سازمان و بهبود تصویر بیرونی آن را در پی خواهد داشت. (کریه، دینگوال، کیچنر و وارینگ^۱، ۲۰۱۲). واقعیت آن است که سازمان‌ها باید از یک‌سو بتوانند اثربخشی و کارایی خود را بهبود بخشند تا علاوه بر دستیابی به اهداف، تحقق نقش‌ها و کارکردهای بایسته خود، به‌گونه‌ای شایسته پاسخگویی مقتضیات محیطی خود باشند و از سوی دیگر حمایت‌ها و منابع را جلب و جذب نمایند. دستیابی به چنین مقصدی در گرو عملکرد مناسب دانشگاه با اقتضانات و ایجابات محیط می‌باشد.

همان‌گونه که ملاحظه گردید، مطابق با فراترکیب انجام‌شده، مدیریت استعداد، زیرساخت‌ها، مأموریت‌ها و رسالت‌ها، فرایندهای سازمانی و عملکرد سازمانی مهم‌ترین ابعاد ظرفیت سازمانی هستند. این ابعاد با مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده خود که در پژوهش پیش‌رو به آن‌ها اشاره گردید، دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی را قادر خواهند کرد تا بتوانند در تمامی حوزه‌ها ضمن شناسایی ظرفیت‌های مغفول، نقاط قوت و ضعف را به‌درستی شناسایی و در راستای تقویت و یا بهبود آن گام بردارند. لازم به ذکر است که با توجه به اینکه پژوهش مشابهی تاکنون انجام نگرفته است، لذا تحقیقات همسو یا ناهم‌سویی برای آن یافت نشد. بر این اساس، پیشنهاد می‌گردد تا با بهره‌گیری از چارچوب توسعه داده‌شده در این پژوهش، ظرفیت سازمانی دانشگاه‌ها موردسنجش قرار گیرد. نتایج حاصل از این سنجش علاوه بر اینکه می‌تواند در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزش عالی مثمر ثمر واقع گردد، در حوزه‌ی خرد نیز موجب شناخت دقیق از وضعیت کنونی هر دانشگاه و میزان فاصله با وضع مطلوب می‌گردد.

¹ Currie, Dingwall, Kitchener & Waring

منابع

- امیدوی کیا، کامران؛ مشبکی، اصغر؛ خداداد حسینی، سید حمید؛ عزیزی، شهریار (۱۳۹۱). شناخت قابلیت‌های سازمانی جایگاه سازی برند شرکت در صنعت مواد غذایی با استفاده از نظریه داده بنیاد. اندیشه مدیریت راهبردی، ۶ (۱): ۳۵ - ۷۲.
- ترکزاده، جعفر؛ محترم، معصومه (۱۳۹۲). چارچوبی تحلیلی برای شناسایی مشکلات قابل بروز در مسیر کیفیت و اثربخشی تدریس در آموزش عالی. مطالعات مدیریت بر آموزش انتظامی، ۳ (۱۹): ۹۵ - ۱۲۳.
- ترکزاده، جعفر؛ عبدشریفی، فاطمه؛ نهاوندی، رضا (۱۳۹۳). مروری بر مفهوم و چارچوب‌های ارزیابی و بهسازی عملکرد سازمانی: ارائه یک چارچوب تحلیلی. فصلنامه تحقیقات مدیریت آموزشی، ۵ (۵): ۵۹ - ۸۷.
- دانایی‌فرد، حسن؛ برزگر، فاطمه؛ احمدی، هانیه (۱۳۹۳). سازوکارهای ارتقای قابلیت‌های سازمانی در بخش دولتی. فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی، ۳ (۱۱): ۹۱ - ۱۰۶.
- دهقانان، حامد؛ پور تیموری، زهرا؛ عیوضلو منصوره (۱۳۹۳). ارائه روشی پویا جهت ارزیابی قابلیت‌های سازمانی. دومین اجلاس مدیران تحقیق، توسعه و فناوری با رویکرد نسل چهارم تحقیق و توسعه. تهران ۲۸ و ۲۹ بهمن ماه ۱۳۹۲.
- زارعی، فرهاد؛ مهدی‌بیگی، نجمه (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین مؤلفه‌های ظرفیت سازمانی با عملکرد سازمانی بر اساس رویکرد اسلامی در اداره کل میراث فرهنگی استان فارس. همایش ملی هزاره سوم و علوم انسانی، شیراز، خردادماه ۱۳۹۴.
- فروزنده، لطف‌الله؛ دانایی‌فرد، حسن؛ رهنورد آهن، فرج‌الله؛ محمدی فاتح، اصغر (۱۳۹۳). بررسی ظرفیت سازمانی دانشگاه افسری امام علی (ع) بر اساس الگوی مک‌کینزی. فصلنامه مدیریت نظامی، ۱۴ (۵۴): ۱ - ۲۸.
- وظیفه‌دوست، حسین؛ عبدلی، مریم (۱۳۹۳). تأثیر استفاده از ظرفیت‌های سازمانی برای افزایش ارزش مشتری (مطالعه موردی: مدیران و کارشناسان بازاریابی بانک سپه). فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۵ (۱۳ و ۱۴): ۴۵ - ۶۰.
- یمنی دوزی سرخابی، محمد (۱۳۸۸). دانشگاه سازگار شونده: یک فرایند پیچیده. رویکردها و چشم‌اندازهای نو در آموزش عالی (مجموعه مقالات). به اهتمام محمد یمنی دوزی سرخابی. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

- Andrews, R. Beynon, M. J. & McDermott, A. M. (2015). Organizational Capability in the Public Sector: A Configurational Approach. *Journal of Public Administration Research and Theory*, muv005.
- Barney, J. (1991). Firm Resources and Sustained Competitive Advantage. *Journal of Management*, 17 (1): 99 – 120.
- Beintema, N. M. (2004). Investing in Sub-Saharan African Agricultural Research: Recent Trends. 2020 Africa Conference Brief 8, International Food Policy Research Institute, Washington, D.C.
- Bowen, D. E. Ledfor, G. E. J. Nathan, B. R. (1991). Hiring for the Organization, not the job. *Academy of Management Executive*, 5 (4): 35 – 51.
- Boonpattarakan, A. (2012). Model of Thai small and medium sized enterprises' organizational capabilities: review and verification. *Journal of Management Research*, 4(3): 15-42.
- Bryan, Tara. Kolar. (2011). Exploring the Dimensions of Organizational Capacity for Local Social Service Delivery Organizations Using a Multi-Method Approach. Doctor of Philosophy Dissertation in Public Administration/Public Affairs.
- Christensen, R. K. And B. Gazley. (2008). Capacity for Public Administration: Analysis of Meaning and Measurement. *Public Administration and Development*, 28 (4): 265 - 279.
- Collis, D.J. (1994). Research Note: How Valuable are Organizational Capabilities? *Strategic Management Journal*, 15 (2): 143-152.
- Currie, G. Dingwall, R. Kitchener, M. Waring, J. (2012). Let's Dance: Organization Studies, Medical Sociology and Health Policy. *Social Science & Medicine*, 74 (8): 278-232.
- Eisinger, P. (2002). Organizational capacity and organizational effectiveness among street-level food assistance programs. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, 31(1): 115-130.
- Grant, R. M. (1991). The resource – based theory of competitive advantage: implications for strategy formulation. *California Management Review*, spring: 114 – 134.
- Grant, R. M. (2013). *Contemporary Strategy Analysis*. Eight Edition; Wiley.
- Irawan, Bambang. Suryono, Agus. Pratiwi, Ratih. Nur. Sarwono. (2015). Model Implementation of Special Needs Education in Organizational Capacity Development Perspective (A Study on the Primary School Providers of Inclusion and Segregation for Autistic Students in Special Capital Region of Jakarta). *International Journal of Applied Sociology*, 5 (3): 144-151.
- Graziadio, G. L. (2011). Nonprofit capacity: a comparative case study of capacity building in community based organizations. Master of Science thesis, Pepperdine University.
- Harris, R. (2007). Unravelling the notion of organizational capability: What do writers say it is and VET providers think it is? Doctoral dissertation, AVETRA, University of South Australia.

- Harvey, G. C. Skelcher, et al. (2010). Absorptive Capacity in a Non-Market Environment. *Public Management Review*, 12 (1): 77-97.
- Honadle, B. W. (1981). A Capacity-Building Framework - A Search for Concept and Purpose. *Public Administration Review*, 41(5): 575-580.
- Hondeghem, A. & Vandermeulen, F. (2000). Competency management in the Flemish and Dutch civil service. *The International Journal of Public Sector Management*, 13 (4): 342 – 353.
- Ingraham, P. W., P. G. Joyce, et al. (2003). *Governance Performance: Why Management Matters*. Baltimore, MD, the John Hopkins University PRes.
- Klein, P. G., Mahoney, J. T., McGahan, A. M., & Pitelis, C. N. (2013). Capabilities and strategic entrepreneurship in public organizations. *Strategic Entrepreneurship Journal*, 7 (1): 70-91.
- Machado, M., Taylor, J. (2010). The struggle for strategic planning in European Higher education: The case of Portugal. *Research in Higher education Journal*: 1-20.
- Melody Rioux. (2010). *Organizational Capacity and Knowledge Transfer: A Qualitative Case Study of the 2007 Canada Winter Games Host Society*. Submitted In Partial Fulfillment Of The Requirements For The Degree Of Master of Arts In Applied Health Science (Sport Management).
- Misener, Katie and Doherty, Alison. (2009). A Case Study of Organizational Capacity in Nonprofit Community Sport. *Journal of Sport Management*, 23: 457-482.
- Mustapa, Ifa Rizad; Mohd Ghazali, Nazli Anum & Sani Mohamad, Muslim Har. (2014). The moderating influence of organizational capacity on the association between corporate governance and corporate performance. *International Conference on Accounting Studies*, 18 – 19 August, Lumpur, Malaysia.
- Palme, U. (2012). Good examples of education for sustainable development at chalmers: achievements and limitations. Paper presented at engineering education in sustainable development. Go`teborg, September: 19-22.
- Pandza, Krsto. (2011). Why and How Will a Group Act Autonomously to Make an Impact on the Development of Organizational Capabilities? *Journal of Management Studies*, 48 (5): 1015 – 1043.
- Phillips, R & Roper, O. (2009). A Framework for Talent Management in Real Estate. Emerald Group, *Journal of Corporate Real Estate*, 11 (1): 7-16.
- Rashman, Lyndsay. Jane. (2008). *Organizational Knowledge and Capacity for Service Improvement in UK Public*. University Of Warwick, Warwick Business School.
- Rajabifard, A. & Williamson, L. P. (2004). *SDI Development and Capacity Bilding*. GSD Conference, India.
- Sandelowski, M. and Barros, J. (2007). *Handbook for Synthesizing Qualitative Research*. Springer publishing company Inc.

- Schroder, R. G., Bates, K. A., & Junttila, M. A. (2002). A resource – based of manufacturing strategy and the relationship to manufacturing performance. *Strategic Management Journal*, 32 (2): 105 – 115.
- Shellabear, S. (2002). Competency profiling: definition and implementation. *Training journal*. August: two.
- Taatila, V. and Down, S. (2012). Measuring entrepreneurial orientation of university students. *Education + Training*, 54 (8/9): 744 – 760.
- Uhlaner, L. M., van Stel, A., Duplat, V., & Zhou, H. (2013). Disentangling the effects of organizational capabilities, innovation and firm size on SME sales growth. *Small Business Economics*, 41(3): 581-607.
- Ulrick, D., Lake, D. (1991). Organizational Capacity: Creating Competitive Advantage. *Academy of Management Executive*, 5 (1): 77 – 91.
- Vadadia, Ahmad and Farhat Maghamb, Seyyedeh Fatemeh. (2014). Investigating the effect of organizational capacity on CRM performance. *Management Science Letters*, 4: 1625–1630.
- Van Deuren, Rita. (2014). Assessing organizational capacity in higher education.
- Wenger, Lisa. And MacInnis, Ashley. (2011). Inventory of Tools for Assessing University Capacity, Support for, and Outcomes of Community/Civic Engagement and Community-Engaged Scholarship.
- Winter, S. (2003). Understanding Dynamic Capabilities. *Strategic Management Journal*, 24: 991–995.
- Yeung, K. A. & Berman, B. (1997). Adding value through human resources: reorienting human resource measurement to drive business performance. *Human Resource Management*, (36) 3: 321 –335.
- Young, M. D., Eddy Spicer, D., Perrone, F., Clement, D., Player, D., Thornton, M., & Doiron, T. (2018). Examining the principal preparation terrain: Issues of supply, demand, and capacity. Charlottesville, VA: University Council for Educational Administration.
- Yu-Lee, R. T. (2002). *Essentials of Capacity Management*. New York: John Wiley & sons.
- Zahra, S., Sapienza, H., & Davidsson P. (2006). Entrepreneurship and Dynamic Capabilities: a Review, Model and Research Agenda. *Journal of Management Studies*, 43: 917 – 955.